بسم الله الرحمن الرحیم

رفتار با والدین در قرآن

ایجاد انگیزه:

در بحث اخلاق در قرآن موضوعات مختلفی مطرح است از جمله آنها، رفتار با والدین در قرآن کریم است که آیات فراوانی در این زمینه وجود دارد که از نظر محتوا می توان آن آیات را دسته بندی کرد که به اختصار به بعضی از آنها اشاره می شود.

متن و محتوا:

دسته اول، آیاتی که به ما احسان به پدر و مادر را سفارش می کند. 6 آیه نورانی قرآن درباره احسان وجود دارد که با تفسیری از وجود مقدس امام صادق علیه السلام احسان این است که «ان لا تکلفهما» کاری نکنی که پدر و مادر حاجتشان را به زبان بیاورند. قبل از آنکه به زبان بیاورند اگر حاجتشان را برآورده کردی، احسان است.

دسته دوم، آیاتی است که سپاسگزاری از والدین را در کنار سپاسگزاری از خداوند «ان اشکر لی و لوالدیک» ذکر می کند.

دسته سوم، قرآن کریم فرمان می دهد بال رحمت را برای پدر و مادر بگشا «واخفض لهما جناح الذل من الرحمه»

دسته چهارم، انفاق برای پدر و مادر «یسئلونک ماذا ینفقون. قل ما انفقتم من خیر فللوالدین ...» این انفاق غیر از انفاق مستحب و واجب است چون سه دسته هستند که نفقه آنها بر ما واجب است. هزینه زندگی آنها (اگر نیازمند باشند و نداشته باشند و ما داشته باشیم) بر ما واجب است. به این ترتیب: اول همسر انسان است که واجب النفقه است. بعد فرزندان و بعد پدر و مادر اینها واجب النفقه اند نه اینکه یک کار مستحبی باشد. چطور نفقه و هزینه زندگی همسر بر ما واجب است؟ همینطور فرزندان و پدر و مادر در صورتی که نیازمند باشند اما در مساله همسر مساله متفاوت است؛ یعنی اگر همسر ما وضع مالی اش هم خوب باشد، ثروتمندترین زن دنیا هم باشد باز واجب النفقه شوهرش است. می تواند از درآمدهای خودش هیچ استفاده نکند و نفقه او بر شوهر واجب است.

دسته پنجم آیات قرآن، دعای برای پدر و مادر است. آیات فراوانی داریم که یکی از دعاهای انبیا دعا برای پدر و مادرشان است و نیز برای پدر و مادر نماز هم داریم. مرحوم شیخ طوسی رضوان الله علیه (این فقیه، محدث و مفسر بزرگ شیعه رضوان الله علیه) در کتاب با عظمت "تهذیب" روایتی را از وجود مقدس امام صادق علیه السلام نقل فرمودند: « کان ابوعبدالله علیه السلام» یعنی یکی از برنامه های امام صادق این بوده، «یصلی عن ولده فی کل لیله رکعتین و عن والدیه فی کل یوم رکعتین» همه شب و همه روز بدون استثنا، شب ها دو رکعت نماز می خواندند برای فرزندانشان و روزها نمازی برای پدر و مادر.

بحث تعامل ما با فرزندان بحث گسترده ای است، یک بخش دعاست و یک بخش نماز است. همه چیز به نماز و دعای برای فرزند تمام نمی شود. راههای فراوان دیگری را باید طی کرد اما به هر ترتیب دعا هم نقش و جایگاه خودش را دارد. همه شب امام صادق سلام الله علیه بدون استثنا دو رکعت نماز برای فرزندشان میخواندند و همه روز برای پدر و مادر. دو رکعت نماز هر شب برای فرزند، رکعت اول بعد از حمد انا انزلنا، رکعت دوم انا اعطیناک ... .

بخش ششم، وصیت ویژه برای پدر و مادر است. در سوره مبارکه بقره: «کتب علیکم اذا حضر احدکم الموت» این آیات نورانی قرآن است « ان ترک خیرا الوصیه للوالدین و الاقربین». کسی که از دنیا می رود وصیت داشته باشد. اصل وصیت خیلی مهم است. مرحوم علامه طبرسی رضوان الله علیه صاحب تفسیر با عظمت مجمع البیان که قبر مطهرشان در مشهد الرضا در نزدیکی حرم امام رضا سلام الله علیه است در تفسیر مجمع البیان این حدیث را از وجود مقدس خاتم الانبیا صل الله علیه و آله و سلم نقل فرموده اند: «من مات بلا وصیه مات میته جاهلیه» کسی که بدون وصیت از دنیا رود مرگش مرگ جاهلی است. در روایت دیگری این بزرگوار نقل فرموده اند که امام صادق سلام الله علیه فرمود: « ما ینبغی لامرء مسلم» سزاوار نیست یک مسلمان شب را به صبح بیاورد « الا و وصیته تحت راسه» انسان باید وصیتنامه اش زیر سرش باشد؛ یعنی آماده باشد.

خیلی از ما در زندگی مان انواع و اقسام گرفتاری و مشکلات وجود دارد. بدهکاری ها و طلبکاری ها و مسائل مالی. مرگ ما، اول گرفتاری های جدید برای وارثان ماست. عده ای از ما مطالباتی دارند، مشخص نیست! به عده ای بدهکاریم، ننوشته ایم! طلبکار بیچاره بعد از مرگ می آید سراغ وارث. می گویند سند نداری ما نمی پردازیم! با سندش نمی پذیرند وای به بدون سندش.

عزیزی می گفت: من وصیت نامه ام به روز است. بلافاصله اگر مبلغی به کسی بدهکار هستم می نویسم.

هیچ می دانید اگر انسان بدون وصیت از دنیا برود حقوق الهی که بر ذمه اوست اگر ننویسد حتی اگر وارث بداند مکلف به انجام اش نیست. فتوای اکثر مراجع این است که اگر در وصیت نوشته نشود از نظر شرعی تکلیفی بر وارث نیست. اگر حقوق الهی بر ذمه مان هست، اگر حق الناس بر ذمه مان هست، بنویسیم.

خدا رحمت کند مرحوم آیت الله مجتهدی رضوان الله علیه، ایشان می فرمودند: چند نفر بعد از مرگ پدرشان نزد من آمده بودند. پدر، ارث بسیار فراوانی بجا گذاشته بود. برای مسائل وصیت آمده بودند. گفتم پدر، این همه نماز و روزه و حج و بدهکاری های مختلفی دارد. اینها را بپردازید بقیه اموالش هم برای شما. ایشان می فرمود: بچه ها حاضر نبودند بپردازند. ایشان می فرمودند من اصرار کردم. 11 اولاد بودند (دختر و پسر). پدر سرمایه دار، ثروت فراوان، حاضر نبودند دیون پدر را بپردازند. ایشان می فرمودند: یکی از بچه ها چون من خیلی اصرار کردم به زبان آمد و گفت: آقا شما عالم منصفی هستی. ما از شما سوال می کنیم. اگر ما این خدمات را، این وصیت پدر را انجام ندهیم، نماز و روزه و حج و بدهی های مالی و دینی را چه می شود؟ گفتم: پدرتان آنجا می سوزد، گرفتار عذاب است. گفت: آقا شما انصاف بده. ما 11 نفر بسوزیم یا آن یک نفر آنجا بسوزد بهتر است؟! می گویند بد وارث و بی وارث؟ بد وارث بدتر از بی وارث است.

بحث وصیت ها را جدی بگیرید و به یک عالم مراجعه کنید. چون وصیت مسائل پیچیده فراوانی دارد.

« کتب علیکم اذا ...» اگر مالی به ارث گذاشته، وصیت کند. آیا وصیت واجب یا مستحب؟ این وصیت غیر از آن سهم الارث واجب است. سهم الارث واجب پدر و مادر ما نیاز به وصیت ندارد. اضافه بر آن اگر برای ما مقدور است، اگر ثروت قابل توجهی داریم برای پدر و مادر که این مساله جزئیات فراوانی دارد. حتما به یک عالم مراجعه کنید و در حضور یک عالم وصیتنامه تنظیم کنید.

دسته هفتم، اعتدال در ارتباط با پدر و مادر است، همانطور که در بحث تعامل با فرزندانمان نیز آیاتی در قرآن داریم. این داستان نقل شد که عده ای از اصحاب پیامبر می خواستند هجرت کنند ولی فرزندانشان مانع هجرت آنها می شدند. آیه نازل شد: گوش نکنید! «یاایها الذین آمنوا ان من ازواجکم و اولادکم عدو لکم» این فرزند دشمن است گوش نکن.

در بحث پدر و مادر هم همینطور است. سوره مبارکه نساء. آیه 135 « یاایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط» مومنین! قیام به عدالت (آنهم "قوام"، صیغه مبالغه) کنید. «ولو علی انفسکم» حرف عادلانه بزنید، شهادت عادلانه بدهید ولو به ضرر خودتان باشد. «او الوالدین» ولو به ضرر پدر و مادر باشد. محبت ما، ارتباط ما، تعامل ما با پدر و مادر، مرزاش، مرز دینداری و عدالت است. «او الوالدین او الاقربین» داستان شأن نزول این آیه چیست؟ مرحوم علامه طبرسی رضوان الله علیه در تفسیر این روایت را از ابن عباس نقل فرموده اند: عده ای از اصحاب رسول خدا از مکه به مدینه هجرت کرده بودند. گاهی یک مساله ای پیش می آمد. چون اینها تازه مسلمان بودند احکام و قوانین اسلامی را بلد نبودند مثلا در پیشامدی باید فرزندی به دادگاه برود و علیه پدر و مادرش شهادتی بدهد. حاضر نمی شدند. چرا؟ می دید پدر گرفتاری های مالی دارد. اگر علیه پدر شهادت بدهد، این اموال از دست پدر گرفته می شود. برای پدرش دلسوزی می کرد و نمی رفت علیه پدر شهادت دهد. آیه نازل شد «یاایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط شهداء لله ولو علی انفسکم او الوالدین والاقربین» ادامه آیه : « ان یکن غنیا او فقیرا فالله اولی بهما» شما چکار داری پدرت بی نیاز است یا نیازمند؟ ثروتمند است یا فقیر است؟ خدا بهتر می داند. خدا ولیّ همه است. شما شهادت به حق را فراموش نکنید.

این هم اعتدال، البته این یک مصداقش است. در همه مسائل همینطور است. همراهی با فرزندان مان مرزاش دینداری است، همراهی با پدر و مادر مرزاش دینداری است. اگر پدر و مادر از ما تقاضایی داشتند که با دینداری ما نمی سازد، قرآن می فرماید، نپذیرید. آیه مبارکه 8 سوره عنکبوت «ووصینا الانسان بوالدیه حسنا» ما به انسان نسبت به نیکی به پدر و مادر سفارش کردیم ولی یادشان باشد اگر پدر و مادر تلاش کردند شما از مرز دینداری جدا شوید دیگر اطاعاتشان واجب نیست، اشتباه نشود. در اطاعت و احترام به پدر و مادر لازم نیست پدر و مادر ما آدمهای خوبی باشند. ما باید احترام کنیم حتی اگر پدر و مادرهای ما آدمهای فاجر، فاسق، کافر، ناصبی، دشمن اهل بیت و یا کافر به خدا و رسول باشند. پدر من، مادر من بی نماز است اما من باید احترام کنم. احسان جای خودش اما در اطاعت از آنها مرزاش مرز دینداری است.

روایات فراوانی داریم که حتی اگر پدر و مادر به شما ظلم کردند (متن روایت است) شما حق نداری در برابر پدر و مادر موضع گیری کنی. علامه مجلسی رضوان الله علیه (این حدیث شناس بزرگ ما) بلافاصله در ذیل این حدیث تذکر داده اند. فرموده اند: اشتباه نشود! اگر پدر و مادر ظلم کردند جرم آنها و مواخذه آنها جای خودش. آنها پیش خدا مسئول اند. حق ندارند ظلم کنند. مجوز ظلم نیست ولی اگر ظلم کردند شما باز هم احترام پدر و مادر را حفظ کنید ولی مرز اطاعت، مرز دینداری است.

آیه 15 سوره مبارکه لقمان «وان جاهداک لتشرک بی ما لیس لک به علم فلاتطعهما. وصاحبهما فی الدنیا معروفا». مرحوم کلینی رضوان الله علیه (محدث بزرگ) در ذیل این آیه این شأن نزول را بیان کرده اند: بعضی وقتها مسلمانان می آمدند در صدر اسلام به پیامبر اسلام ایمان می آوردند و مسلمان می شدند. پدرومادرها برای اینکه فرزندانشان را از مسلمانی برگردانند (داستانهای متعددی هست) گاهی یک مادر قسم می خورد و میگفت پسرم، تو مسلمان شدی من دیگر لب به غذا نم یزنم! اعتصاب غذا می کرد. می گفت: تا از دین اسلام برنگردی من دیگر غذا نمی خورم. آیه نازل شد اینها چند روز گرسنه و تشنه بمانند بالاخره مجبورند غذا را بخورند. گوش نکنید! اگر «ان جاهداک» تلاش و کوشش می کنند به مسیر کفر برگردید، «لاتطعهما» اطاعتشان نکنید. این هم دسته هفتم از آیات نورانی قرآن کریم.

در بحث پدر و مادر درست است که هر دو بر ما حق دارند ولی حتما می دانید سهم مادر در این زمینه به مراتب بیشتر است. کسی آمد محضر رسول خدا صل الله علیه و آله و سلم و سوال کرد به چه کسی باید نیکی کنم؟ حضرت بار اول فرمودند: مادر. بار دوم سوال کرد. فرمود: مادر. بار سوم سوال کرد. فرمود: مادر. بار چهارم فرمودند: پدر. سهم مادر به مراتب بیشتر است.

در روایت دیگری داریم کسی به محضر رسول خدا رسید. گفت: «یا رسول الله انی رجل اذنبت ذنبا عظیما» من گناه بزرگی مرتکب شدم، در داستان دیگری هست که «ما من ذنب» هر گناهی که فکر کنید انجام داده ام، ولی توبه کرده ام. چه کنم رحمت خدا شامل حال من شود؟ حضرت سوال کردند: «الک والدین؟» پدر و مادر داری؟ گفت: نه یا رسول الله پدر و مادر از دنیا رفتند. دو داستان است. در یک داستان، حضرت از او سوال کرد: مادر داری؟ گفت نه آقا! مادرم از دنیا رفته. فرمود: پدر داری؟ گفت پدرم هست. فرمود برو به پدر خدمت کن. وقتی از محضر رسول خدا دور شد، به شکلی که او نشنود پیامبر با حسرت فرمود: «لو کانت» کاش مادر داشت! اگر به مادر خدمت می کرد زودتر رحمت خدا شامل حالش می شد.

در یک داستان دیگر، این حدیث دوم که در تفسیر درالمنثور است، گفت نه آقا! نه پدر دارم نه مادر. چه کنم رحمت الهی شامل حال من شود؟ حضرت فرمود: «الک خاله؟» خاله ات زنده است؟ یعنی نه تنها مادر حرمت دارد، به احترام مادر، خواهر او هم! فرمود: برو به خاله خدمت کن. به ایشان نیکی کن. پس سهم مادر بیشتر است.

مرحوم محدث قمی رضوان الله علیه در کتاب منازل الآخره نقل فرمودند: پیامبر خدا آمدند کنار بستر جوانی که در حال جان دادن بود. زبانش باز نمی شد. حضرت تلقینش می دادند. بگو لااله الا الله. زبان باز نمی شد. فرمودند: چیست؟ گفت: من کسی را می بینم و منظره ای را ... حضرت این دعا را یادش دادند. این دعا را بخوان که زبانت باز شود. «يَامَنْ يَقْبَلُ الْيَسِيرَ وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ اقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ وَاعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ» این دعا را با زبانش خواند. حضرت فرمودند: مادر! گفتند: این هم مادرش! فرمود: از او ناراحت هستی؟ مادر گفت: «یارسول الله ما کلمته» شش سال است من با او حرف نزده ام! رسول خدا شفاعت کردند و واسطه شدند، مادر جوانش را حلال کرد. حالا بگو لااله الاالله. زبان به لااله الا الله باز شد. این داستان را زیاد شنیده اید. مرحوم محدث قمی رضوان الله علیه نکته زیبایی را بعد از نقل این داستان می گوید. ایشان می گوید: این آدم چه کسی بوده است؟ این کسی که زبانش به لا اله الا الله باز نمی شود با اینکه پیامبر آمده کنار بسترش، چه کسی بوده؟ نامش را ننوشته اند ولی ایشان می فرماید: حتما باید یکی از اصحاب بسیار خوب رسول خدا باشد و الا پیامبر با همه گرفتاری ها وقت نداشته هرکسی می خواهد از دنیا برود، لحظه مرگش کنار بسترش بیایند و تلقین اش کنند. بعد ایشان می فرماید: انسان ممکن است صحابی و یار نزدیک رسول الله باشد اما به دلیل اینکه پدر و مادر از او ناراضی اند پیامبر تلقین اش را بگوید ولی زبانش باز نشود. این هم سهم مادر، خیلی باید مواطب باشیم.

شاید عزیزانی بگویند: هیچکدام این مباحث برای ما مفید نبود، چون ما نعمت پدر یا مادر را از دست داده ایم. حسرت می خورند. کاش ما این فرصت را داشتیم. روایتی هست برای کسانی که در این شرایط هستند. وجود مقدس خاتم الانبیا صل الله علیه و آله و سلم فرمودند: گاهی انسان در زمان حیات به پدر و مادر خدمت کرده ولی بعد از مرگ عاق پدر و مادر می شود. چرا یا رسول الله؟ (متن روایت است) فرمودند: به دو جهت. یک: «لا یستغفر لهما» دو: «لایقضی دینهما» دین پدر و مادر را ادا نمی کند. پدر یا مادر از دنیا رفته، اگر نمازی، روزه ای، حجی، بدهی مالی دارد به خدا بدهکار است. اگر اولاد این بدهی ها را ندهد بعد از مرگ عاق والدین است چون رحمت خدا واسع است ولی ما در این تکالیف نباید کوتاهی کنیم. اگر نمازی هست، اگر روزه ای هست، اگر حجی هست باید وصیت نامه داشته باشیم ولی به امید وصیت ها نباشیم. (متن روایت است) فرمودند: «کن وصی نفسک» خودت وصی خودت باش.

روایت دیگری است: کسی که از دنیا برود، حج خانه خدا به گردنش باشد و انجام نداده باشد به او چه می گویند؟ «مت یهودیا او نصرانیا» به دین اسلام نمی تواند از دنیا برود. در روایتی داریم فردای قیامت کور وارد محشر می شود.

داستان دیگری است: خدا رحمت کند مرحوم آیت الله العظمی حکیم رضوان الله علیه (این فقیه بزرگ که فرزندان زیادی از خاندان این بزرگوار به شهادت رسیده اند) می فرمودند: "من رفیقی داشتم. با رفیقم قرار گذاشته بودیم هر کسی زودتر از دنیا رفت به خواب آن دیگری بیاید. رفیق من زودتر از من از دنیا رفت. منتظر شدم به خوابم نیامد تا یکسال. بعد از یکسال در عالم رویا او را دیدم. گفتم: رفیق، قرار ما اینطور نبود! چرا اینقدر با تاخیر؟! گفت: وقتی من از دنیا می رفتم به من گفتند: تو حق نداری مسلمان از دنیا بروی چون واجب الحج بودی و به مکه مشرف نشده بودی. ولی دیدم در کنار بسترم خمسه طیبه ائمه علیهم سلام الله نشسته اند. صدیقه طاهره سلام الله علیها نشسته. بی بی فاطمه زهرا سلام الله علیها خطاب کردند به فرزندشان آقا امام زمان و فرمودند: پسرم مهدی! امسال حج این آقا را شما برایش انجام بده! شما نیابت حج این آقا را بر عهده بگیرید. بنابراین یکسال منتظر ماندم تا آقا امام زمان به نیابت من حج مشرف شدند و من از گرفتاری نجات پیدا کردم.

عزیزی می گفت: من رفیق مومنی داشتم از دنیا رفت. بعد از مدتی خوابش را دیدم. گفتم: چه خبر؟ گفت: جایم خوب است ولی 17 روز گرفتار بودم. بعدها بچه هایش را دیدم. گفتم: چرا پدرتان 17 روز گرفتار بود؟ گفتند: نمی دانیم. بعد از مدتی به من خبر دادند و گفتندک ما بررسی کردیم متوجه شدیم. ما دیر شروع کردیم وصیتنامه اش را باز کردن و عمل به وصیت. بعد از 17 روز به وصیتنامه اش عمل کردیم. این گرفتاری ها آنجاست.

خدا رحمت کند مرحوم آیت الله العظمی حائری فرزند موسس حوزه علمیه قم. آیت الله حاج مرتضی حائری رضوان الله علیه که شهید آیت الله حاج آقا مصطفی فرزند امام، داماد این بزرگوار بودند. خیلی به پابوس امام رضا مشرف می شد. خیلی علاقه عجیبی داشتند. مثلا در دفتر خاطراتشان نوشته اند که این نودمین سفری است که من مشرف شده ام. بعد از مرگشان هم این بزرگوار را در عالم رویا دیده بودند و سوال کرده بودند جواب این همه زیارتی که مشرف شدی حرم امام رضا علیه السلام چه شد؟ ایشان فرمودند: به تعدادی که من پابوس امام رضا مشرف شدم امام رضا اینجا بازدید مرا پس داد. تازه اینجا عالم برزخ است. غیر از آن سه جایی که امام رضا وعده داد «عندالصراط، عند المیزان، عند تطائر الکتب» من سه جا می آیم. هنگام ترازوی اعمال، هنگام گذشتن از صراط ... این غیر از آن است، در برزخ.

این بزرگوار آیت الله العظمی حائری رضوان الله علیه فرموده بودند من رفیقی داشتم از دنیا رفت. در عالم رویا او را دیدم. دیدم کور است. گفتم: رفیق تو در دنیا چشم داشتی! خیلی ناراحت شدم. رفتم با فرزندانش صحبت کردم. متوجه شدم واجب الحج بوده و به حج مشرف نشده. بعد این حدیث را دیدم که در روایت است کسی که واجب الحج باشد و مشرف نشود فردای قیامت کور محشور می شود. «و نحشره یوم القیامه اعمی».

پیامبر خدا فرمود: اگر کسی بعد از مرگ این دو خدمت را به پدر و مادر انجام ندهد عاق پدر و مادر می شود بعد از مرگ. یک: دیون پدر و مادر را پرداخت نکند. اگر توانایی مالی ندارید، نماز قضا که می توانید برایشان بخوانید (اگر پدر و مادر نماز قضا داشتند). دوم: فرمود «لا یستغفر لهما» کسی که برای پدر و مادر طلب آمرزش نکند؛ یعنی پدر و مادر را فراموش کند عاق والدین می شود.

در ماه ضیافت الله اگر کار خیری انجام می دهیم، اطعامی می کنیم، نماز و دعا و زیارتی داریم، پدرها و مادرها را سهیم کنیم. متاسفانه بعضی ها این بخش حدیث را گرفته اند. تا گفته می شود ماه رمضان افطاری دادی؟ می گوید: بله! مگر نشنیده ای پیامبر خدا فرمود: «ولو بشق تمره» ولو به یک نیمه خرما. ما یک جعبه خرما در راه خدا دادیم. کسی که می تواند و توانایی مالی دارد، یک سبد غذایی برای یک خانواده، دو خانواده، آن کسی که می تواند برای هزار خانواده، آن کسی که می تواند سفره بیندازد برای ده تا ، 20 تا، 50 تا، بگوید پیامبر فرمود ولو بشق تمره؟! یک نیم خرما؟! ما یک جعبه خرما دادیم؟! بعضی ها یاد گرفته اند با یک جعبه خرما در مساجد راه می افتند و می گویند ما 50 نفر و 500 نفر را افطار دادیم. این برای کسی است که حد وسعش در حد یک جعبه خرما باشد. در این خیرات پدر و مادر را سهیم کنیم.

گریز و روضه :

السَّلام علیک یا اباجعفر یا محمد بن علی ایّها الجواد یابن رسول الله.

ان شاءالله برویم کاظمین کنار قبرش، و از نزدیک بگوییم: یا جوادالائمه، ادرکنی.

عزت عالمین می‌خواهم طوف قبر حسین می‌خواهم

سفر کاظمین می‌خواهم یا جواد الائمه، ادرکنی

آقا جان، ما امروز تو را واسطه قرار دادیم. راوی می‌گوید: مدینه پیش امام هادی بودم، امام هادی هشت سال داشت [پدرش به شهادت رسید، در کودکی یتیم شد]، یک وقت دیدم اشکش جاری شد و آقا جا به جا شد. گفتم: آقا چه شد؟ فرمود: الان تُوَفّی ابُوجعفر؛ الان بی بابا شدم. الان پدرم به شهادت رسید. گفتم: آقا، شما الان مدینه هستید بابای شما بغداد، فاصله زیاد است!

فرمود: می‌دانم، به من خبر دادند پدرم غریبانه مسموم شد و به شهادت رسید.

آقا جان امام هادی، خبر شهادت بابایت را این گونه فهمیدی، اشک‌تان جاری شد، رنگ‌تان تغییر کرد، قلب‌تان از جا کنده شد. اما کربلا می‌دانید خبر شهادت امام حسین را چگونه به بچه‌هایش دادند؟! آن زمان که سر بالای نی رفت، آسمان تیره و تار گشت، زین العابدین، امام سجاد صدا زد: عمه، به خدا بی بابا شدیم. عمه، به خدا یتیم شدیم!